

## زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله آقا میرزا آقا حجت

(۱۳۲۲ - ۱۲۴۰ ه. ق.)

### اشاره

آنچه می‌خوانید بخش مختصری است از کتاب در دست چاپ «دانشنامه‌ی فرهیختگان نهاوند» که توسط آقای سید شمس‌الدین سیدان (متولد ۱۳۱۲ نهاوند) تألیف شده است. ضمن تشکر از ایشان در انتظار دریافت و معرفی آثار دیگر این همشهری اهل قلم هستیم.  
«فرهنگان»

### کتاب‌شناسی

الروضة البهية ، المآثر و الآثار ، خاطرات عین السلطنة ، دانشمندان بروجرد ،  
تقریرات آقای امان‌الله بوتربی

مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حجت با شش واسطه به فیلسوف بزرگ اسلامی

ملاصدرای شیرازی<sup>(۱)</sup> می‌رسد. پدرش آخوند حاج میرزا حسن ملقب به حجت<sup>(۲)</sup>

شوشگاه‌انداز و مطالعات فقهی

۱- محمد پسر ابراهیم بن یحیی شیرازی معروف به صدرالدین و صدر المتألهین از بزرگان  
فلاسفهی قرن یازدهم هجری است که اساس حکمت اشراق را بنا نهاد. او از شاگردان شیخ بهایی  
میرداماد و میرفندرسکی بود. ملاصدرا در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در سفر مکه در گذشت و در  
بصره به خاک سپرده شد. وی علاوه بر تبحر در کلام و فلسفه در حدیث و تفسیر قرآن نیز باارع بود. از  
اوست: الاسفار الاربعه ، اتحاد العاقل و المعقول ، اسرار الایات و انوار البینات . شاگردان ممتاز  
او ملا محسن فیض کاشانی ، ملا عبدالرزاق و فیاض لاهیجی بوده‌اند . از اوست :

### ریاضی

آنان که ره دوست گزیدند همه در کوی شهادت آرمیدند همه  
در معرکه‌ی دو کون فتح از عشق است هر چند سپاه او شهیدند همه

بوده است .

وی در سال ۱۲۴۰ قمری در اصفهان متولد شد . پس از آن که به سن تمیز رسید مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت . سپس مدتی از محضر درس علامه سید اسدالله اصفهانی بهره برد . زمانی که آخوند میرزا حسن بنا به تقاضای مردم بروجرد جهت تدریس بعضی از دروس حوزه‌ی علمیه به آن شهر نقل مکان کرد ، وی هنوز در آغاز جوانی بود و به تحصیل اشتغال داشت . سپس به حوزه‌ی درس میرزا شفیع چابلقی که از علمای برجسته‌ی بروجرد بود وارد شد و طولی نکشید که از شاگردان ممتاز گردید . مؤلف محترم کتاب دانشمندان بروجرد در جایی که از شاگردان میرزا شفیع یاد می‌کند می‌نویسد : «شیخ میرزا آقا نهاوندی از مجتهدین قرن چهاردهم هجری است که در سال ۱۳۲۵ در گذشته است .»

اعتماد السلطنه در مآثر و الآثار درباره‌ی ایشان نوشته است : «میرزا آقا نهاوندی فقیهی نبیه و مجتهدی محقق بود و در بروجرد می‌نشست و تکمیل اصول را نزد سید میرزا شفیع ، استاد اصول کربلاویه ، کرده بود ؛ از اقبال دنیوی هیچ بهره‌ای نداشت .»  
هم‌چنین آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر در احوال او می‌نویسد :  
«المیرزا آقا النهاوندی عالم متفنن و فقیه عارف ، تلمذ فی بروجرد علی العلامة السید شفیع

۲- آگاهی ما از این دودمان علاوه بر خاطرات و اظهارات نوادگان مرحوم حاج میرزا حسن ، قسمتی مربوط است به یادداشت‌های میرزا محمد غفلی بروجردی که چندین سال مُحَرَّر و مستوفی وی بوده است . کتابچه‌ی یادداشت‌های او سال‌ها نزد ورثه بدون استفاده باقی مانده بود تا این که پس از پیگیری‌های آقای امان‌الله بوتربی که از نوادگان آن مرحوم است مورد استفاده قرار گرفت .

به طوری که مرحوم غفلی نوشته‌اند انتساب لقب حجت به حاج میرزا حسن به این دلیل بوده که عده‌ای از مردم اصفهان سؤالاتی را نزد علمای نجف مطرح می‌نمایند و درخواست پاسخ می‌کنند . علمای نجف که از مقام علمی و شخصیت میرزا حسن آگاهی داشتند در پاسخ می‌نویسند که جواب خود را از حجت الاسلام میرزا حسن دریافت کنید ، قول ایشان برای ما (حجت) است . از آن پس این لقب برای ایشان و اعقابش ماندگار شد . در زمان پهلوی اول که گرفتن شناسنامه اجباری شد ، کلمه‌ی «حجتی» برای این خانواده به عنوان نام خانوادگی انتخاب گردید .

جابلاقی و كانت اشتغاله باصفهان علی العلامة السید اسدالله بن السید حجة الاسلام اصفهانی و كان كثير الاعراض عن الدنيا و اهلها محباً للعزلة و الانزوا ...»  
 گویا پس از طی این مراحل، برای تکمیل معلومات به نجف عزیمت کرده است. ولی در چه سالی و نزد چه کسانی درس خوانده است، متأسفانه مستندی در دست نیست.

### ورود و اقامت آیت الله حجت به نهاوند

علت سکونت آیت الله به نهاوند به درستی معلوم نیست. احتمالاً برای تدریس در مدرسه‌ی مقام محمود<sup>(۱)</sup> - محله‌ای که هنوز هم به نام «راسته میرزا آقا» معروف است - دعوت شده و این حضور منجر به اقامت دائمی ایشان گردیده است.  
 مدرسه‌ی مزبور که به فرمان محمود میرزا حاکم وقت نهاوند (۱۲۴۱ - ۱۲۴۰ هـ.ق) بنا شده بود به تدریج حوزه‌ی علمیه‌ی معتبری گردید و عده‌ی زیادی از طلاب، از نهاوند و اطراف، در آن به تحصیل علوم دینی پرداختند.

۱- مدرسه و مسجد «مقام محمود» در سال ۱۲۳۹ هـ. ق. به وسیله‌ی محمود میرزا حاکم قاجار در محل دبستان سعدی فعلی در راستای میرزا آقا ایجاد گردید. محمود میرزا در کتاب تذکرة السلاطین و تاریخ صاحب قرانی، در جایی که از بناهای خود در نهاوند سخن می‌گوید، از دو مدرسه و مسجد یاد می‌کند و می‌نویسد: «در وسط شهر مسجدی موسوم به مقام محمود بنیاد نهاد و مبلغ دو هزار تومان خرج وی داد و مدرسه‌ای نیز در همان قلعه بنا کرد مسماً به مدرسه‌ی محمودیه ...»  
 سنگ نوشته‌ی این مسجد هم اکنون در اولین اتاق دست راست و ورودی سالن در جوف دیوار موجود است که این عبارات در آن نقش شده است.

«حسب الحکم شهنشاه زاده عادل عالم محمود میرزای قاجار این مسجد مسماً به مقام محمود به اتمام رسید. و من اللیل فتهجد به نافلة لک، عسی ان یبعثک رنگ مقاماً محموداً (آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء) سنه‌ی ۱۲۳۹ قمری، پرورده‌ی، نعمت عبدالطیف لاریجانی.»  
 مسجد مزبور در سال ۱۳۱۷ شمسی در زمان تصدی آقای مینایی تخریب و به جای آن مدرسه‌ای تازه به نام دبستان سعدی ایجاد گردید. نک. به نهاوند در گذر تاریخ، تألیف نویسنده.

### مقام عرفانی

آیت الله میرزا آقا علاوه بر سیادت دینی و مراتب عالی مرجعیت از جمله عارفان وارسته‌ی عصر خود بود.

بیشتر مردم شهر از کراماتی که در زمان حیات، از آن بزرگوار به ظهور رسیده بود آگاهی داشتند و هنوز سال‌خوردگان و معمرین از آن یاد می‌کنند.

در سال ۱۳۵۱ که برای تحقیقاتی به نهاوند رفته بودم، خدمت آقای جلال الدین مهدوی نوه‌ی دختری ایشان، که از مطلعین شهر هستند رسیدم. وی نقل کرد میرزا آقا با مرحوم حاج اسماعیل دوست بود و بیشتر شب‌ها بحث و گفت‌وگو داشتند. حاج اسماعیل نوکری داشت به نام کربلایی محمد. اتفاقاً از ایشان دعوت می‌شود که به منزل یکی از نزدیکانش برود. محمد می‌گوید اگر آقا امشب نیاید می‌آیم. ولی آقا در همان وقت وارد می‌شود و فوراً به حاجی اظهار می‌دارد که به کربلایی محمد بگوید اثاثیه‌ی مرا بیاورد و خودش به مهمانی فامیلش برود. حاجی از گفته‌ی آقا نگران می‌شود که نکند محمد بی‌ادبی کرده و موجب ناراحتی ایشان شده است. فردا که برمی‌گردد او را مورد سؤال قرار می‌دهد. کربلایی می‌گوید: من سال‌ها در خدمت ایشان هستم می‌دانم که به آقا الهام گردیده که از من دعوت شده ...

\*\*\*

آقای رحمان سیف پیرمرد ۱۲۰ ساله‌ی نهاوندی که تا این تاریخ «۱۳۵۱» هنوز خوش بنیه و سرحال است، نقل می‌کند: دو نفر برای تصاحب مبلغی پول با هم درگیر می‌شوند. هر دو جهت قضاوت نزد آقا می‌روند. ایشان فوراً به یکی از آن‌ها حکم می‌کند که پول دیگری را پس بدهد، و وقتی او انکار می‌کند آقا تعداد و مقدار سکه‌ها را بیان می‌کند و او ناگزیر به اعتراف می‌گردد.

\*\*\*

بالاخر از تنها پمپ بنزین شهر، باغ و مخروبه‌ای بود با دیوارهای گلی که امروز به صورت خانه‌های مسکونی در آمده است. این باغ پس از فوت آقا به پسرش آقا فضل الله رسید. آقای جلال الدین مهدوی برای نگارنده نقل کرد:

آقا فضل الله درختان باغ را به شخصی به نام «آدا خسرو» آهنگر فروخت. آقا شب

به خواب خریدار آمد و به او گفت: چرا می‌خواهی درختان باغ را قطع کنی؟ درختان هنوز میوه‌دار هستند (اوایل مهر).

آقای مهدوی می‌گوید: من به اتفاق میرزا ابوتراب قدوسی به باغ رفتم و با شکفتنی دیدیم که روی درخت‌ها سیب موجود است. در آن سال برگ این درخت‌ها تا اوایل زمستان در روی شاخه باقی ماندند...

\*\*\*

از جمله خاطره‌ی دیگری که آقای رحمان سیف نقل می‌کند این بود که آقا بعضی شب‌ها از دروازه‌ی شهر بیرون می‌رفت و این در حالی بود که گزمه‌ها و مأموران پس از غروب آفتاب دروازه‌های شهر را می‌بستند، تا کسی خارج نشود، اما ناگهان می‌دیدند درها باز شد و کسی در حال رفتن به خارج از شهر است!

### حوادث زندگی

بدون تردید در زندگی مرحوم حجّت مانند بسیاری دیگر از مردم رویدادهایی رخ داده که بر ما پوشیده است. ولی آنچه از آن آگاهی داریم مطالبی است که حاکم وقت «قهرمان میرزا سالور» ملقب به عین السلطنه در کتاب خاطرات خود راجع به ایشان نوشته است.

نویسنده ضمن سرهم کردن یک داستان، قیام مردم و تعطیلی بازار را به مرحوم آقا و آقا تراب مجتهد نسبت می‌دهد. ریشه‌ی بلوا این بوده است که در غیاب وی سربازی به نام عسکر در شهر به قتل می‌رسد. مردم این جنایت را همان طور که در افکار عمومی شایع شده بود و بی‌ربط هم نبود به عمال حکومتی نسبت می‌دهند. از این رو به علمای دینی شکایت می‌برند و تقاضای داد خواهی می‌نمایند. قهرمان میرزا در خاطرات خود می‌نویسد:

«روز یکشنبه ۱۸ شوال [۱۳۰۹] صبح، جناب میرزا آقا مجتهد در مسجد

حاضر شده ، مَرَدَه‌ی <sup>(۱)</sup> (مریدان) خود را فرستاد دکان‌ها را به زور بستند و اغلب علمای دیگر در حضور ایشان در مدرسه حاضر شدند و آن حاجی‌ها ... جمعی را همراه برداشته و هرکس از علما نیامده بودند جبراً و عنفاً از خانه بیرون آورده در مجمع حاضر کردند ... پیغام جهت من دادند که شما ده هزار تومان جرم و جنایت وارد آورده‌اید ، این مبلغ را بدهید بیاورند تسلیم مردم کنیم تا ساکت شده شکایت به تهران نکنیم ...» (کتاب خاطرات عین السلطنه ص ۱۶۴)

عین السلطنه پس از قیام مردم در ۲۴ شوال همان سال از حکومت نهاوند معزول و به جای او کامران میرزا منصوب می‌گردد ...

\*\*\*

از رخداد‌های دیگر ، به طوری که در یادداشت‌های مرحوم میرزا محمد غفلاتی بروجردی آمده ، این است :

«هنگامی که ناصرالدین شاه <sup>(۲)</sup> به نهاوند سفر می‌کند حاکم وقت از علما دعوت می‌کند که به دیدار شاه بروند . جناب آقا میرزا هم از جمله دعوت‌شدگان بوده است . می‌گویند هنگام غروبی که آقا طبق معمول در کنار باغچه‌ی حیاط خود با تنی چند از دیدار کنندگان نشسته بود ، یکی از فراش‌های حکومتی پیغام حاکم را به مرحوم آقا می‌رساند که باید به دیدار ظلّ الله برود . ایشان بایی اعتنایی پاسخ می‌دهند برو به حاکم بگو که ما در پناه ظلّ الله هستیم !»

در این وقت حکومت نهاوند در دست کامران میرزا بوده است .

۱- مَرَدَه جمع «مارد» است به معنی سرکشان و متمردان . در متون گذشته گاهی آن را به اشتباه جمع مکسر مرید دانسته‌اند و به معنی «مریدان» به کار برده‌اند .

۲- ناصرالدین شاه در سفر خود به نهاوند می‌نویسد : امروز [۱۳] ذیحجه ۱۳۰۹ [علمای نهاوند که قریب ۲۰ نفر بودند به حضور آمدند که یکی از آن‌ها مرد زبان دار حرافی است به نام مولوی ... معروفین ایشان از این قرار است : جناب امام جمعه ، جناب مولوی ، جناب میرزا فضل الله ، جناب آقا نورالدین ، میرزا اسدالله ، شیخ الاسلام قاضی (عموی آیت الله آل آقا)

## آثار قلمی

مرحوم آیت الله میرزا آقا دارای رساله‌ی عملیه بوده است. بنا بر نوشته‌ی میرزا محمد بروجردی روزی فراش‌های حکومتی به منزل شخصی ایشان وارد می‌شوند و تعدادی از نوشته‌ها و کتاب‌ها را با خود می‌برند؛ از جمله رساله‌ی عملیه‌ی یاد شده را در آب حوض خانه می‌شویند. اگر این هتک حرمت صورت گرفته باشد احتمالاً بعد از بلوای شهر در زمان حکومت عین السلطنه است که منجر به بسته شدن بازار گردید و بدین وسیله عین السلطنه قصد تلافی جویی داشته است.

از آثار دیگر ایشان به طوری که آقای امان الله بوتربی از زبان پدر بزرگ خود آقا ابو جعفر (فرزند آیت الله) نقل می‌کند شرحی است بر اسفار صدرالمتألهین و دیگر حاشیه‌ای بر کتاب المواقف قاضی عضدالدین ایجی و کنز العرفان فاضل مقداد که در سیل ۱۳۱۷ از میان رفته است.

## پایان زندگی

سال ۱۳۲۲ قمری که در نهاوند مرض وبا همه گیر شده بود و عده‌ی زیادی را به کام مرگ فرو می‌برد، برای مرحوم میرزا آقا حجّت سال تعیین کننده‌ای بود. ایشان احساس تکلیف می‌کنند که به داد خلق خدا برسند و به وظیفه عمل می‌کنند.

در روایات و احادیث اسلامی آمده است، در این گونه بلا یا اگر در شهر و دیاری افراد وارسته و مهدبی باشند و حاضر شوند برای رفع بلا «نماز خاص» آن را به جا آورند، به نجات مردم منجر می‌شود، هرچند خود قربانی این اقدام می‌گردند.

این بود که آقا تصمیم می‌گیرد نماز خاص این بلیّه را برگزار کند. اطرافیان که عواقب کار را می‌دانستند تلاش می‌کنند و اصرار می‌ورزند که مانع انجام آن شوند، ولی میرزا آقا تصمیم خود را گرفته بود. وی در مصلاهی شهر - جایی که هم اکنون مقبره است و قبلاً ملک شخصی او بود - نماز را به جا می‌آورد و چندی بعد دعوت حق را لبیک می‌گوید و

به جوار رحمت خداوند می رود؛ رحمة الله عليه. این واقعه در سال ۱۳۲۲ قمری رخ داده است.

جسد مطهر او در محلی که هم اکنون مقبره‌ی اوست به خاک سپرده می شود. از آن پس مردم جهت تبرک، اموات خود را در اطراف آن دفن می کنند. انتظار می رود مسئولان محترم شهر دستور دهند از گسترش خانه‌های مسکونی در اطراف این محدوده جلوگیری کنند؛ زیرا حرمت حریم آن بزرگوار بر همه واجب است.

### فرزندان

مرحوم آیت الله آقا میرزا آقا فرزندان متعددی داشت.

معروف‌تر از همه یکی آقا محمد فرزند دوم ایشان است که مراحلی از سیر و سلوک معنوی را گذراند و در زمره‌ی اولیا قرار گرفت. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی زندگی را وداع کرد.

دیگری آقا بهاء الدین است که به داشتن کراماتی مشهور گردیده است. وی نیز در سال ۱۳۲۹ به دیار باقی شتافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی